سبک برابری

هویت گمشده زن غربی و عربی در افراط و تفریط‌ها

مقصد زنان راننده به سوی جهنم نیست!

■ مریم علوی

وقتی صحبت از زن به میان می‌آید ناخودآگاه ذهن‌مان معطوف می‌شود به موجودی با خصوصیات حساس، انعطاف‌پذیری بسیار بالا که حس مسئولیت‌پذیری توصیف ناپذیری دارد. فرقی ندارد جنس زن در فرهنگ اروپایی رشد کند یا امریکایی، حتی اصلاً مهم نیست که ایرانی باشد یا مسلمان بلکه اولویت ذات یک زن حس مادرانه اوست که به خاطر وجود همین احساس لطیف است که از گذشته تا امروز زنان از اشتغال در بسیاری از زمینه‌های کاری یا فعالیت در حوزه‌های خشن خودداری می‌کرده‌اند.

تصورش هم منطقی است وقتی درنظر می‌گیریم ظرافت و لطافت مادرانه موضوعی است که از کودکی ذهن دختر را به خود مشغول کرده است؛ دخترى که تمام روزهای کودکی‌اش در ارتباط سالم و سراسر وابستگی با عروسک‌هایش سری می‌شود و از همان دوران کودکی حس مادری را تمرین می‌کنند.

حالا تصور کنید بیایید و در برهه خاصی از زندگی یک زن او را از شرایط عادی و طبیعت ذاتی‌اش دور کنید. چه اتفاقی می‌افتد؟ با چنین کاری در واقع شما هرگونه ارتباط عاطفی یک زن را با دوران کودکی گذشته و حس همسری فعلی و وابستگی مادری آینده‌اش قطع می‌کنید و حقیقتاً زن بدون این سه احساس و تجربه پوچ است. این پازل چند تکه‌ای را گوشه ذهن‌تان نگه دارید تا برویم سراغ بخش دیگری از ماجرا. همه احساس‌های عاطفی و مسئولیت‌پذیری بین جوامع با فرهنگ غنی و دیرینه، به مراتب قوی‌تر است یعنی زنان و دختران آسیایی نسبت به همجنس‌های اروپایی و امریکایی خود تجربه‌های زیادتری از شرایط زندگی زنانه‌شان دارند. تنها عواملی که به این احساس زنان آسیایی رنگ بیشتری می‌دهد وجود فرهنگ قدیمی و ادیان الهی در این کشورهاست. همه این تکه‌ها را که کنار هم بگذاری تازه متوجه می‌شوی دلیل سیر تحول اشتغال زنان در کشورهای اروپایی و امریکایی چیست؟ به این فکر کرده‌اید که چرا روند اشتغال زنان امریکایی در ارتش و نیروهای اعزامی به افغانستان و عراق صعودی است؟

سکانس اول

برخی دولت‌های منطقه سطحی‌ترین نیازهای یک زن را هم محدود می‌کنند

تصور کنید دختر جوانی که حساس‌ترین روزهای زندگی‌اش را با حذف عاطفه در ارتش امریکا سپری می‌کند قطعا می‌تواند زندگی مشترکی داشته باشد و این زن بلاشک از عاطفه مادری معمولی برخوردار نیست. نتیجه این نوع تربیت زنان در دولت‌های غربی کار را به آنجا رسانده که تولد فرزندان بدون پدر و فرزندانی که بعد از تولد به دولت سپرده می‌شوند رشد فزاینده‌ای دارد.

درنظر بگیرید کودکانی که اینطور متولد و در شرایط بی‌مادری بزرگ می‌شوند زنانی می‌شوند به مراتب سنگدل‌تر از مادرانشان. آنها حتی از رگه‌های احساسی که در وجود مادرشان بوده بی‌نصیب مانده‌اند و در نهایت اگر در مشاغل مهمی مثل ارتش به کار گرفته شوند نه تنها نسبت به سایر همجنس‌هایشان حتی زنان کشورهای دیگر هیچ احساس عاطفی‌ای ندارند بلکه از کشتن کودکان هم هیچ ابایی ندارند.

این دخترکان که آغوش گرم خانواده را احساس نکرده‌اند نمی‌توانند در بزرگسالی ضجه مادران را در غم از دست دادن فرزند درک کنند. این زنان هرگز نخواهند فهمید وقتی داوطلبانه یا برای دریافت حقوقی بیشتر به نیروهای نظامی ملحق می‌شوند چه بلایی بر سر جنس زنانه‌شان می‌آورند. صدالبته که هیچ زن و هیچ مادری نمی‌تواند این حضور در جبهه‌ها را دلیلی برای شجاعت بنامد چون قساوت قلب تنها کلمه‌ای است که با شنیدن کشتار، جنگ و ارتش به ذهن هر انسانی خطور می‌کند.

اگرچه این تغییر نقش‌ها مختص به کشورهای اروپایی و امریکایی نیست اما موضوع مهم بحث اینجاست که همانطور که کشورهای به اصطلاح آزاد زمینه‌ای برای تغییر هویت و احساس زن ایجاد می‌کنند در کشورهای همسایه ما هستند دولت‌هایی که حتی سطحی‌ترین نیازهای یک زن را محدود می‌کنند. کشورهایی که براساس اسلام خودساخته‌شان برای زنان محدودیت‌هایی در چارچوب قوانین‌شان قائل می‌شوند. قوانینی که اغلب در کشورهای عربی همسایه ایران اجرا می‌شود وقتی در سطح جهان منتشر می‌شود و در رسانه‌های امریکایی مطرح می‌گردد بازتاب بسیار تأسف باری به دنبال دارد. جامعه جهانی با مشاهده محدودیت‌های زنان در کشورهایی مانند عربستان، نسبت به اسلام تنفر پیدا می‌کند و چون دید کاملی نسبت به دین ما ندارد پس ترجیح می‌دهد زنانی منطبق بر سبک اروپایی و امریکایی تربیت کند. درست زمانی که از یکسو زنان در برخی کشورها وارد ارتش و کارهای نظامی و خشن می‌شوند از سوی دیگر زنانی وجود دارند که در کشوری با منابع مالی بسیار غنی هنوز برای به دست آوردن حقوق اولیه خود مانند حق رانندگی می‌جنگند! در عربستان سعودی حتی زنان اجازه رانندگی نداشته و ندارند اینکه چرا دولتمردان غربی که اینقدر سنگ احقاق حقوق بشر را به سینه می‌زنند در این مورد خاص دخالت نمی‌کنند سؤال بی‌جوابی است که تلاش برای رسیدن به پاسخ آن بی‌نتیجه است.

سکانس دوم

منع زنان از رانندگی ربطی به دین ندارد

در ماه می ۲۰۱۱ بود که منال شریف یکی از زنان محجبه عرب ساکن و متولد عربستان سعودی برای اولین بار پشت فرمان یک کادیلاک نشست و دوستش حین رانندگی از او فیلمبرداری کرد. درست همان روز خودرو وی توسط پلیس راهنمایی و رانندگی عربستان متوقف شد و پس از این منال شریف به جرم رانندگی ۹ روز را در بازداشت گذراند.

منال شریف معتقد است برای شکستن تابوی رانندگی نکردن زنان در کشور عربی مثل عربستان بهای زیادی پرداخته اما جز سرزنش چیزی نیافته است!

پس از جریان اولین رانندگی مخاطره‌آمیزش منال شریف برای تحصیل گواهینامه رانندگی فرم درخواستی به اداره امور راهنمایی و رانندگی در عربستان سعودی فرستاد اما آنها درخواست وی را عودت دادند اما با اصرار، به چالش کشیدن محدودیت‌های عرفی و شکایت از این اداره بالاخره منال توانست گواهینامه‌اش را بگیرد اما همچنان سنگ محکم ضدآزادی زن پیش پای منال بود! با همه این تلاش‌ها طبیعی بود که انتظار برود او با داشتن گواهینامه قانونی بتواند رانندگی کند اما حقیقت این نبود.

جالب اینجاست که عربستان سعودی تنها کشوری در جهان است که زنان در آنجا حق رانندگی ندارند، اما هیچ سازمان بین‌المللی برای رفع این تحریم‌ها تلاش نمی‌کند و اینگونه حقوق را درگیر مسائل سیاسی نمی‌دانند. منال شرف درباره اتفاقات بعدی می‌گوید: «احکام شرع در اینجا به نحوی تفسیر و به تأیید حکام شرع رسیده‌اند که بسیاری از حقوق را از زنان عرب سلب می‌کند. حق رانندگی یکی از حقوق قانونی و اجتماعی است که از ما سلب شده است. علاوه بر این ما حق افتتاح حساب بانکی، حق مسافرت آزادانه، حق ادامه تحصیل بدون حضور نگهبان آقا، حق ازدواج با فردی خارجی حتی یک فرد مسلمان را نداریم. باور کردنی نیست که حقوقی از این قبیل در مملکتی به ظاهر اسلامی پایمال شود». شاید باور کردنش سخت باشد اما حقیقت دارد، بانوان عربستان سعودی برای ازدواج با افراد خارجی حتی مسلمان نیاز به موافقت وزارت داخله عربستان دارند که در بیشتر موارد درخواست‌ها بدون جواب عودت داده می‌شوند.

قصه منال شریف به مخالفت‌هایی که گفته شد محدود نشد چون با وجود تمام این تحریم‌ها باز این بانوی محجبه پس از دریافت گواهینامه تصمیم گرفت رانندگی کند با این تفاوت که این بار همسر و برادرش هم همراه بودند. واقعیت تلخ این است که او این بار به همراه برادر و همسرش دستگیر شد! همان روزها فیلم ویدئویی از رانندگی منال شریف در صفحه شبکه اجتماعی او منتشر می‌شود. او به نمادی برای کسب حقوق رانندگی زنان تبدیل می‌شود و صفحه اجتماعی و صندوق پیام‌های الکترونیکی‌اش پر می‌شود از عبارت‌های توهین آمیز مانند «قبر، انتظار تو را می‌کشد».

این بانوی عرب تنها به خاطر رانندگی در ملأعام بار سرزنش‌های زیادی را به دوش کشید و به خاطر فعالیت‌های حقوق زنان در می ۲۰۱۲ از محل کارش اخراج شد. خودش می‌گوید روز اخراج از محیط کار رئیسش پس از شنیدن خبرهایی مبنی بر فعالیت‌های او در زمینه حقوق زنان به او گفته است: «با این کار دروازه‌های جهنم را به سوی خود گشوده‌ای».

منال در این باره می‌گوید هرچه با خودم فکر کردم دیدم رانندگی یک بانو با رعایت کامل پوشش اسلامی آن هم با نوع خاص پوششی که عرب برای زنان در نظر گرفته موجب باز شدن درهای جهنم نخواهد شد. من مطمئن بودم که رانندگی‌ام هیچ خدشه‌ای به دینم و حتی پوششم نمی‌زند. حتی در بعضی موارد نیاز من را از ارتباط با نامحرم رفع می‌سازد اما متأسفانه این دید هنوز برخلاف عرف جامعه عربستان سعودی است.

بعد از همه تلاش‌های منال شریف در عرصه احقاق حقوق از دست رفته زنان عرب حاکمان شرع در عربستان سعودی اعلام کردند که همچنان از رانندگی زنان در عربستان ممانعت به عمل می‌آید و قرار نیست این مسئله مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد.

جالب اینجاست که در کمپین «رانندگی برای زنان» که منال شریف امروز یکی از رهبرانش است بسیاری از زنان شیعه نیز از وی حمایت می‌کنند و این بهترین سند برای اثبات این است که احقاق حقوق از دست رفته یک زن عرب دغدغه زنان شیعه نیز است.

نکته مهم این است که منع زنان از رانندگی برای دولتمردان عربستان سعودی تنها مسئله اسلام نیست بلکه مسئله بر سر قدرت است. دولت عربستان سعودی از انجام تمامی اموری که قدرت زنان را در جامعه افزایش می‌دهد جلوگیری می‌کند یا با اعمال شدید نظارت به آنها تن می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از کشورهای اسلامی مانند ایران، لبنان، سوریه و ترکیه نه تنها حقوق شهروندی مساوی برای بانوان خود اعمال می‌کنند، بلکه زنان دوشادوش مردان در جبهه‌های سیاسی و فرهنگی در حال تلاش و کوشش برای پیشرفت سرزمینشان هستند. دولتمردان این کشورهای مسلمان معتقدند حضور موفق زنان در صحنه اجتماع و در چارچوب دین نه تنها به حفظ دینشان خدشه‌ای وارد نکرده بلکه به روند اجرایی امور مملکتی هم کمک شایانی کرده است.

همه آزادی‌های زنان کشورهای مسلمان در حالی است که زنان سعودی تنها برای به دست آوردن کمترین حق مثل حق رانندگی باید از جان خود بگذرند و قید زندگی خانوادگی و مشترکشان را بزنند! این مسائل در گوشه گوشه جهان بعضا تکرار می‌شود ولی به دلیل برخی موضوعات سیاسی، ملیتی و نیازهای کشورهای مختلف نه تنها از حقوق بانوان حمایت نمی‌شود، بلکه گاهی به حقوق آنها تعرض هم می‌شود. به طور مثال در برخی جوامع از بانوان در مشاغل سخت و طاقت فرسا که با روحیات و لطافت‌های مادرانه تناقض دارد با حداقل دستمزد استفاده می‌شود انگار دولتمردان این کشورها فراموش کرده‌اند که اسلام اولین وظیفه یک زن را مادری و همسری می‌داند.

> **منع زنان از رانندگی برای دولتمردان عربستان سعودی تنها مسئله اسلام نیست بلکه مسئله بر سر قدرت است. دولت عربستان سعودی از انجام تمامی اموری که قدرت زنان را در جامعه افزایش می‌دهد جلوگیری می‌کند یا با اعمال شدید نظارت به آنها تن می‌دهد**

> **کشورهایی هستند که براساس اسلام خودساخته‌شان برای زنان محدودیت‌هایی در چارچوب قوانین‌شان قائل می‌شوند. قوانینی که اغلب در کشورهای عربی همسایه اجرا می‌شود وقتی در سطح جهان منتشر می‌شود و در رسانه‌های امریکایی مطرح می‌گردد بازتاب بسیار تأسف باری به دنبال دارد. جامعه جهانی با مشاهده محدودیت‌های زنان در کشورهایی مانند عربستان، نسبت به اسلام تنفر پیدا می‌کند و چون دید کاملی نسبت به دین ما ندارد پس ترجیح می‌دهد زنانی منطبق بر سبک اروپایی و امریکایی تربیت کند**

سکانس سوم

هزاران فرصت شغلی برای زنان

همه ساله قدرتمندترین مردان و سرمایه‌داران عرب گرد هم می‌آیند تا در مراسم معارفه ۵۰۰ نفر برتر جهان عرب را معرفی کنند و سال ۲۰۱۲ خبر معرفی یک زن عرب به عنوان رتبه سوم این مراسم همه سردمداران عرب را شوکه کرد. ریم اسد زنی بود که برخلاف همه اعراب معرفی شده تا آن روز هیچ پشتوانه مالی بزرگی نداشت. او از طبقه اشراف و شاهزادگان عرب نبود، ریم اسد یک خانه‌دار عادی همانند تمام زنان دیگر بود و در کنار آن مشاور مالی بود که به خوبی به عواقب وخیم بیکار بودن آگاهی داشت. برای ریم، بیکار نشستن یک گزینه نبود.

ریم درباره کاری که انجام داده می‌گوید: «من کار خاصی نکردم این کار از عهده هر زن و هر عربی ساخته بود اما من مطمئنم اعراب یکی از محافظه‌کارترین ملل دنیا هستند اما با این حال، کماکان لباس‌های شخصی خود را باید از مردان خریداری کنیم.»

سال ۲۰۰۶ براساس قانون وضع شده در مجلس عربستان سعودی تصمیم گرفته شد از آن پس زنان به جای مردان در فروشگاه‌های لباس زنانه و خرده فروشی‌ها به کار گرفته شوند. بعد از وضع این قانون مقاومت‌هایی که از سوی عموم مردم، متعصب‌های حزب محافظه‌کار (که اعتقاد دارند جای زن فقط در خانه است) و مردان بازار کسب و کار (که عقیده دارند ورود خانم‌ها به بازار کار هزینه‌های اضافی را در بر خواهد داشت) صورت گرفت و این اعتراض‌ها تا جایی پیش رفت که تصمیم وزرا نادیده گرفته شد.

اگرچه به ظاهر اینها فقط اعتراض‌هایی بود که به تصویب نشدن یک مصوبه در مجلس عربستان سعودی ختم شد اما در حقیقت این جرقه‌ای بود برای آغاز یک مأموریت نفسگیر چهار ساله برای ریم اسد. تنها دو سال بعد ریم اسد کمپین مبارزاتی بی‌وقفه‌ای را راه‌اندازی کرد تا با تحمیل تصویب این قانون، پای زنان را به فروشگاه‌های لباس زنانه باز کند. آغاز فعالیت‌های او در شبکه‌های اجتماعی با ۶ هزار عضو کلید خورد و در سال ۲۰۰۹، زمانی که کارها با سرعت کم و خلاف انتظارش پیش می‌رفت، او برای افزایش فشار، با صدور اطلاعیه‌ای از زنان خواست تا مغازه‌های فروش لباس زنانه را به مدت دو هفته تحریم کنند. ریم اسد در ماه‌های آغازین امسال توانست نتیجه تلاش‌های چند ساله خود را به دست آورد و زنان خانه‌دار زیادی را به بازار کار معرفی کند.

کمپین ریم همان سال توانست وزارت کار را مجاب کند مردان را از کار کردن در مغازه‌های فروش لباس زنانه منع کند و بدین وسیله ۴۴ هزار شغل را برای زنان ایجاد کند اما بخش دوم فعالیت‌ها، ریم ممکن است موفق شود، ۳۰ هزار فرصت شغلی دیگر را برای زنان عربستان ایجاد کند؛ اقدامی که به گفته اقتصاددانان، تلنگری حیاتی برای اقتصاد این کشور خواهد بود.

مطابق با آنچه در وبلاگ اینترنتی ریم اسد آمده، هدف اصلی او ترفیع و ترقی آگاهی‌های اقتصادی در عربستان سعودی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی مردم کشورش بوده است. در روشی که ریم پیش گرفته بود نیازی به دانستن فرمول‌های عجیب نداشت، البته او بسیار سنجیده و ساختارمند حرکت کرد. با در دست داشتن دانش کافی از سیستم و محاسبات اقتصادی، نقشه ساده ریم بالا بردن آگاهی‌های عمومی و ایجاد جنبشی بود تا در نهایت مسبب تغییر شود. نتیجه تصمیم‌های ریم به مردم عربستان سعودی نشان داد که توده انتقادی در میان مردم وجود دارد که محافظه‌کار افراطی نیستند و با کار کردن زنان دوش به دوش مردان در بازار کار مشکلی ندارند.

البته زنان سعودی همچون ریم اسد زیاد هستند و کسب رتبه سومی در لیست ۵۰۰ نفره افتخاری نیست که تنها به ریم تعلق داشته باشد، بلکه متعلق به تمام زنانی است که با ابتکارات و ایستادگی در برابر تضییع حقوقشان زمین را جای بهتری برای زیستن کرده‌اند. به همین خاطر است که هم اکنون در عربستان سعودی از ریم اسد به عنوان یک قهرمان یاد می‌شود. ریم اسد از اینکه توانسته است بعد از چهار سال فعالیت مداوم و سخنرانی و نویسندگی، بخشنامه‌ای در راستای احقاق حقوق زنان عربستان به اجرا در آورد بسیار هیجان زده است و گفته است: «امیدوارم نتیجه کارها توقعاتم را برطرف سازد، تعادل اقتصادی به همراه داشته باشد، فرصت کار را برای آنهایی که نیاز دارند فراهم کند و به زنان نیرویی بدهد تا بتوانند آنچه را که لایق آن هستند به دست آورند».

> **نقشه ساده ریم بالا بردن آگاهی‌های عمومی و ایجاد جنبشی بود تا در نهایت مسبب تغییر شود. نتیجه تصمیم‌های ریم به مردم عربستان سعودی نشان داد که توده انتقادی در میان مردم وجود دارد**

سکانس چهارم

مردان نامحرم نباید مشاغل زنانه را تصاحب کنند

چه دلیلی شما را مجاب کرد تا کمپینی راه‌اندازی و مردان را از عرصه‌های خاص زنان دور کنید؟

به لحاظ سنتی، در عربستان سعودی، مردان از اسباب‌بازی کودکان تا لوازم آرایشی و تایر ماشین را می‌فروشند اما اکنون زمانه عوض شده است و درهای بیشتری می‌تواند برای ورود زنان به عرصه صنعت باز شود تا فرصت‌های شغلی مناسبی را برای آنها مهیا کند. من با دیدن بیکار بودن زنان هموطنم افسوس فراوانی می‌خوردم و نمی‌فهمیدم چرا آنها نباید نان بازوی خودشان را بخورند. در کنار اینها فروش لباس زنانه کار هر کسی نیست و اکثر خانم‌های اینجا با خرید آن از مرد نامحرم احساس نارضایتی می‌کردند. فکر می‌کنم این کمترین حقی است که می‌توان برای یک زن قائل شد.

با صدور اجازه کار کردن زنان در فروشندگی‌های لباس زنانه، چند فرصت شغلی ایجاد شد؟

متأسفانه ما آمارهای دقیقی در دست نداریم ولی طبق برآوردهای‌مان، فکر می‌کنم بالای ۴۰ هزار فرصت شغلی. البته اینها تنها مغازه‌های فروش لباس نیستند. اگر متوجه شده باشید، طبق احکام و قوانین کشور ما، زنان باید در مشاغلی که به وسایل زنانه شامل لباس، لوازم آرایشی و بهداشتی و نظایر آن مربوط می‌شود، فروشندگی کنند. بنابراین، این نیز در پیروزی ما امتیاز مهمی به حساب می‌آمد.

می‌خواهم درباره نقدی که در روزنامه گاردین خواندم از شما سؤال کنم. به گفته منتقد، با قرار دادن منحصری زنان به عنوان فروشنده در فروشگاه‌های عرضه‌کننده لباس زنانه، نوعی تفکیک جنسیتی به‌وجود می‌آید که آن را نامناسب خوانده و عنوان کرده است که باید تعامل میان افراد جامعه همواره باشد. نظر شما چیست؟

من فکر نمی‌کنم اینگونه باشد. اگر شما سناریوی سر کار رفتن یک خانم را در نظر بگیرید، متوجه می‌شوید زمانی که در مسیر رفتن به سر کار است، او وارد مرکز خرید خواهد شد و با افراد زیادی همچون نگهبان، مغازه‌داران، صندوقداران در ارتباط خواهد بود؛ چه بخواهد، چه نخواهد. علاوه بر این، در فرهنگ ما مرسوم نیست که یک زن با تمامی افراد دور و برش در ارتباط باشد، یعنی لزومی ندارد.

من شنیده‌ام که خیلی از افراد در پی استخدام خانم‌ها اعتراض کرده بودند و عقیده داشتند که این موضوع در کشور شما یک جرم به حساب می‌آید! علاوه بر این، گفته می‌شود که یک مغازه در مکه به همین دلیل پلمب شد. آیا شما واکنشی به این عمل نشان دادید؟

من چند روز پیش با عده‌ای از دوستانم این موضوع را مطرح کردم. آنها نیز همانند من از شنیدن آن شگفت زده یا ناراحت نشدند چراکه ما انتظار اینگونه اقدامات را داشتیم و می‌دانستیم که افراد زیادی وجود دارند که از تصویب این قانون دلخور خواهند شد، بنابراین ما خودمان را برای همه چیز آماده کرده بودیم. بالاخره باید تا پیروزی جنگید. سیاستگذاران در حال پیش بردن کارها هستند و در حال حاضر، تنها این اهمیت دارد.

آیا از زمانی که این قانون به تصویب رسید، سری به فروشگاه‌ها زده‌اید و تفاوتی را احساس کرده‌اید؟

بله، صحنه‌های خیلی زیبایی را هم مشاهده کردم. زنان خوشحال زیادی را دیدم که مشغول کار کردن بودند و همه آنها از اینکه با مشتریان‌شان در ارتباط هستند احساس رضایت می‌کردند. اینها زنانی قوی هستند بنابراین، آنها در برآورده کردن نیازهای‌شان و به دست آوردن درآمد برای خود، از همه تواناترند. من مطمئن هستم که این زنان از اجداد خود زندگی بهتری را خواهند داشت. به امید روزی که همه در عربستان متوجه شوند که کار کردن حق مسلم هر زن مسلمانی است.

> **زمانی که یک خانم وارد مرکز خرید می‌شود، با افراد زیادی همچون نگهبان، مغازه‌داران و صندوقداران در ارتباط خواهد بود؛ چه بخواهد، چه نخواهد. در فرهنگ ما مرسوم نیست که یک زن با تمامی افراد دور و برش در ارتباط باشد، یعنی لزومی ندارد**